



پاسخ به نامه‌ها

پرتال جامع علوم انسانی

پاسخ به نامه‌ها

جناب آقای حسن پناهی آزاد، دوست عزیز، سلام ما را بپذیرید. نوشته حضرت عالی و پرسشی که درباره مرحوم شهید دکتر مصطفی چمران فرموده بودید، به دستمان رسید و از دقت نظر و حسن توجه شما مشعوف شدیم. مسئولین مجله قصد ابهام گویی و سخن در پرده گفتن ندارند و نیز قصد ندارند ذهنیت خوانندگان را مشوّب سازند. نخست آنکه به نظر می‌رسد در همه مراکز پژوهشی و اسنادی و نیز مجله‌هایی که به عنوان ارگان تحقیقی آن مراکز چاپ می‌شوند، نظرات شخصی نویسندگان جدای از آراء و نظرات رسمی مرکز پژوهشی است و این مورد برای ما نیز صادق است. ضمن ادای احترام به روح آن شهید بزرگوار و عارف، انشاء... در آینده نزدیک قصد داریم مقاله‌ای پرمحتوا و پژوهشی درباره آن گرانمایه به چاپ برسانیم. مجدداً از حضرت عالی سپاسگزاریم.

جناب آقای حمید دیهیم، دوست گرامی، سلام ما را پذیرا باشید. نامه جناب عالی با عنوان «تکذیب» به دستمان رسید. سپاسگزاریم.

در این نامه اشاره فرموده‌اید که نام شما به عنوان یکی از اعضای کلوب فراماسونری در شماره ۲۳ مجله ۱۵ خرداد به چاپ رسیده است. مرقوم فرموده‌اید: «واقعیت همین است که عضوی از سازمان فراماسونری نبوده‌ام و کوچکترین تماسی با آنها نداشته‌ام و ندارم... اینجانب دلایل قانع کننده و جامعه پسندی دارم که نشان می‌دهد نه تنها عضو آن گروه منتسب به بیگانه نیستم بلکه سرسختانه مخالف آن بوده‌ام... با عرض مراتب [فوق] عضویت خود را در فراماسونری و یا هر جمعیت و حزبی که غیر ایرانی، و مرام و مسلک

آن مغایر با شؤنات و مذهب و فرهنگ ایران اسلامی است قویاً تکذیب می‌نمایم. «دوست محترم جناب آقای دیهیم: از دقت نظر حضرت عالی متشکریم، اما نکته‌ای را شایسته است تذکر دهیم. ما تأکید می‌کنیم که مرکز اسناد انقلاب اسلامی هیچ‌گاه قصد نداشته است خدای ناکرده به حیثیت و آبروی افراد لطمه بزند و یا آن را خدشه دار نماید. این از یکسو، ولی از سوی دیگر، این مرکز متکفل چاپ و پراکندن اسنادی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اختیارش قرار گرفته است. ما، درصدد قضاوت نیستیم؛ هم ما و هم شما می‌دانیم که قضاوت در مورد پدیده‌های تاریخی متعلق است به خوانندگان و شاهدان و پژوهشگرانی که می‌خواهند به ژرفنای رویدادهای تاریخی بنگرند. مطمئن باشید که درصدد تعیین مصداق نیستیم و تنها به نشر اسناد می‌پردازیم و در عین حال خود را از نظر اخلاقی موظف و متعهد به چاپ نامه تکذیبیه شما می‌دانیم. خداوند به شما توفیق خدمت‌های بیشتر عطا فرماید.

جناب آقای رحیم زهتابفرد، دوست گرامی، سلام ما را پذیرید. حضرت عالی نامه‌ای ارسال فرموده‌اید با این عنوان: «رحیم زهتابفرد عضو جمعیت فراماسونری نبوده است.» مرقوم فرموده‌اید: «دوستی اطلاع داد که در گرامی نامه ۱۵ خرداد، اسمی از من به عنوان عضو جمعیت فراماسونری برده شده است. گفتم هرگز عضو چنین جمعیتی نبوده‌ام.» و این مورد را، خیر کذب خوانده‌اید. مرقوم فرموده‌اید: «مخلص مطلقاً عضو چنین جمعیتی نبوده و نه در گذشته از من تقاضای عضویت شده و نه من خواهان آن بوده‌ام و نه محل و مرکز این جمعیت را می‌شناختم و نه حتی یکبار به عنوان روزنامه‌نگار در چنین محفلی شرکت داشتم... چون مطالب مجله، مستند و تاریخی و فرهنگی و سیاسی بوده و در آینده مورد استفاده علاقمندان به تاریخ و مورخین قرار خواهد گرفت و من بدون هرگونه مداخله، این نشریه را یکی از انتشارات مفید و ارزنده ایران امروز می‌دانم، حیقم آمد چنین نشریه سنگین و معتبری ولو با استناد به گزارشات کتبی سازمان امنیت نظام گذشته از جاده حقیقت خارج شود.»

دوست عزیز و گرامی: از دقت نظر شما بسیار سپاسگزاریم. جناب عالی در بخش پایانی نوشته‌تان به نکته‌ای زیبا و درخور اشاره فرموده‌اید و بهتر است ما هم با شما یکبار دیگر آن را بخوانیم: «در خاتمه موفقیّت گردانندگان مجله ۱۵ خرداد را در کشف حقایق و نشر اسناد تاریخی و خدمت به فرهنگ ایران اسلامی از خداوند متعال خواستارم.» شکی

نداشته باشید که در این سخن ما نیز با شما همدل و هم‌نوا و هم‌آوا هستیم. اما باقی، می‌ماند تذکار نکته‌ای و آن هم به وظیفه مرکز اسناد انقلاب اسلامی مرتبط می‌شود. ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی متکفل چاپ و پخش اسناد باقی مانده از رژیم پیشین شده‌ایم. منبع اسناد ما نیز البته بر همگان مکشوف است. از یکسو ما خدای ناکرده قصد خدشه دار نمودن حیثیت شخصی افراد را به هیچ وجه نداریم ولی از سوی دیگر، اسنادی را که در اختیار داریم به چاپ می‌رسانیم، هیچ‌گاه هم در صدد قضاوت تاریخی نیستیم و این مورد را می‌گذاریم به عهده زمان و وجدان بیدار و آگاه خوانندگان و دانشمندان. بودن یا نبودن یک شخص در وضعیت اتهام و اثبات آن به عهده دادگاه صالح است و در این میان ما و شما هر دو روشن‌کنندگان بخش‌های تاریک عرصه تاریخ هستیم. خداوند به جناب عالی طول عمر و سلامت و عزت عطا فرماید.



جناب آقای نصیرپور

الف - از دقت و حساسیت جنابعالی صمیمانه سپاسگزاریم

ب - مرحوم طیب دو دوره زندگی داشته است. یک دوره به قول شما «نه چندان افتخارآمیز» و دوره پایانی زندگی «به شدت افتخارآمیز». در دوره دوم، طیب از رهبری نهضت دفاع کرد و جانانه ایستادگی کرد و جان خویش را بر سر مردانگی خود نهاد و با این عمل نه تنها عاقبت به خیر شد بلکه از گذشته خود «توبه واقعی» نمود.

ج - یک مصاحبه را هیچگاه نباید به حساب تدوین تاریخ گذاشت.

د - در مجله نظریات مختلفی ارائه می‌شود و احتمال دارد که هیچکدام موافق نظر مدیر مسئول نباشد اما یک مجله محل نقل آراء مختلف با روایات متناقض است. قضاوت و انتخاب بهترین نظر بر عهده خوانندگان می‌باشد.

مدیر مسئول

جناب آقای روح‌الله حسینیان مدیر مسئول فصلنامه ۱۵ خرداد در شماره ۲۵ در صفحه ۲۵۶ مصاحبه‌ای با عنوان «طیب آزاد مردی از تبار ۱۵ خرداد» چاپ کرده بودید. جناب مدیر مسئول در کشور ما به کودکان یاد می‌دهند که کودتای ۲۸ مرداد یک عمل ضد مردمی بود که توسط مشتی زنان بدکاره و توسط عده‌ای از اوباش پست و فرومایه و با پولهای سازمان جاسوسی آمریکا انجام شده اما فرزندان مرحوم طیب حاج رضایی در صفحه ۲۵۷

فصلنامه ۱۵ خرداد می گویند: «... اما آن گونه هم که چپی ها و ملیون می گویند نبوده» و در جای دیگری می گوید «آیت ا... کاشانی نظرشان بر این بود که بین کمونیسم و شاه باید طرف شاه را گرفت» و یا «ساعت حدود یازده و نیم شب ۲۶ مرداد چند نفر از آقایان می آیند دنبال پدرم و ...» از سخنان بالا چنین نتیجه می گیریم که کودتای ۲۸ مرداد توسط آقایان علما صورت گرفته و لابد آقای شعبان جعفری از مفاخر ملی ما و شاید جزو آقایان علما باشند. البته ایشان در همان صفحه می گویند عده ای از آقایان دنبال پدرم آمدند این آقایان که بودند آیا ایشان به عنوان فرزند یک فرد انقلابی و یا شما به عنوان مدیر مسئول نمی دانید که افرادی که در کودتای ۲۸ مرداد دست داشتند مشتی فاسد و هرزه و عده ای جانی بودند آیا شما با چاپ این گونه مطالب روح شهیدان ۳۰ تیر را در قبر نمی لرزانید. ایشان در جایی می گویند چون عده ای از باند جبهه ملی و اراذل و اوباش می خواستند پدرم را بکشند او اسلحه حمل می کرد آیا منظور ایشان از باند جبهه ملی آیت الله طالقانی و یا روحانیون بزرگی که با جبهه ملی همکاری داشته اند بوده است و یا شهید بزرگ دکتر فاطمی جزو باند جبهه ملی بوده و لابد اراذل، اوباش مردم بوده اند. ایشان در جای دیگری از این مصاحبه دلیل مخالفت پدرشان را با شاه اختلافاتی در مراسم بازدید شاه از بیمارستانی که فرح در آن فارغ شد ذکر کرده اند و گفته اند که پدرشان خیابانها را فرش کرده و کوچه ها را چراغانی یعنی ایشان خود اعتراف می کنند که پدرشان با رژیم منفور و سفاک پهلوی همکاری داشته است پس چه فرقی میان آقای طیب و هویدا و یا نصیری که به دلیل اختلاف با شاه در رژیم پهلوی به زندان افتادند است. آیا در همان زمان پدر ایشان متوجه نشده بود که رژیم پهلوی رژیمی ضد مردمی است. جناب آقای مدیر مسئول تاکنون در جمهوری اسلامی بارها تاریخ را به عمد غلط و نادرست تفسیر کرده اند. اما از شما می پرسم این گونه تاریخ نویسی به نفع کیست؟ آیا ایشان آقای بیژن حاج محمدرضا خود را مسلمان می دانند؟ اگر مسلمان هستند چگونه می توانند به آرمان شهدای ۳۰ تیر خیانت کنند. ایشان در مصاحبه فعالیت های پدرشان را ذکر کرده اند فعالیت های پدر ایشان تا تاریخ ۲۸ مرداد حاوی هیچ چیز افتخار آمیزی نیست و در مقابل فعالیت های دکتر فاطمی هیچ نیست. در پایان از شما می خواهم که هرگونه جواب و پاسخ منطقی به سخنان من دارید یا در فصلنامه چاپ کنید و یا به آدرس اینجانب پست کنید. با تشکر

والسلام

اسفندیار نصیرپور



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی